

# اردیبل - دشت مغان - شاهسون

## از: علی جواهر کلام

اردیبل

در قسمت شرقی آذربایجان و در کنار رودی بنام بالیق جای ( رود ماهر ) شهر نامی و باستانی اردیبل واقع شده که دارای پنج بخش تابعه میباشد از اینقرار :

مشکن - نمین و لکیج - اجارود - مغان

شهر اردیبل در روزگار باستانی مرکز سراسر آذربایجان بوده و پیش از آنکه باردیبل نامیده شود آنرا بازان بیروز میگفتند و هر بها در سال ۱۵ هجری آنرا فتح کردند. بعضی از مورخین اسلامی اردیبل را « اندر آباد » هم نامیده اند از آن جمله حمدالله مستوفی میگوید اندر آباد مرکز بازرگانی آذربایجان بوده ولی اکنون ( زمان حمدالله ) آن آبادی را ندارد. از شهرهای مهم استان قدیمی اردیبل یکی شهر زنگیان و دیگر از دیوباد در کرانه رود ارس است. در هر حال هر بها که باین ناحیه دست یافتند آنرا یکی از جنات سبعه روی زمین پنداشتند مخصوصاً آب رود ارس نزد آنان خیلی با اهمیت تلقی شد تا آنجا که معتقد با هم ملاقات نموده اند و چشمه آب حیات نیز یکی از منابع رود ارس میباشد. اکرم که عبدالله از صحابه حضرت رسول نواحی آمده بود پلی بر روی ارس بنا کرد که آنرا بفارسی پل خدا آفرین میگویند. شهر اردیبل در سال ۶۱۷ هجری بدست مغول ویران شد و بعداً در دوره قاجاریان و امرای فرقه قویلو و آق قویونلو بتدریج ویرانی بادی گذارد و چون مقرب مدفن شیخ صفی الدین از مشایخ عرفاد گردید تا حدی که کزیت یافت و بالاخره با تأسیس سلسله صفوی چندی پایتخت ایران بود و بواسطه مقبره شیخ صفی الدین زیارتگاه هم شد. قاجاریه در این شهر قلعه ای برای زندانیان سیاسی ساخته بودند که تا قبل از اعلان مشروطیت محبوسین سیاسی را بآنجا میبردند

مخصوصاً در اوایل سلطنت محمد شاه قلعه اردیبل محبی مدعیان سلطنت و زندان فرزندان فتحعلی شاه شد باین قسم که بعد از مرگ فتحعلی شاه پسران متعدد او هر کدام ادعای سلطنت کردند.

ایها دستور مشهور قائم مقام کار آنان را یکسره کرد. دستور مشهور چنین بود که این مدعیان پادشاهی باید کور، دیور و شونندو آنهایی که محکوم بدوری بودند به قلعه اردیبل تبعید گشتند اما عده ای از آن زندانیان که پسران و نوادگان فتحعلی شاه بودند از زیر قلعه اردیبل نفوذ کردند و خود را بدشت مغان رسانیده بمسرح روسیه تزاری رفتند و بعنوان پناهنده سیاسی در روسیه ماندند و اعقاب و احفاد آنان نیز در همان بلاد متوطن شدند. هنگام جنگ دوم ایران و روس همینکه شهر تبریز بدست روسها افتاد عده ای از عامورین روس تزاری باردیبل آمدند و از کتابخانه و بقعه شیخ صفی الدین کتب نفیس خطی و ظروف طلا و نقره و چینی و قالی های گران بها و خلاصه آنچه را که با ارزش دیدند بروسیه بردند و اکنون آن اشیاء عتیق و نفیس در موزه آرمیتاژ لنین گراما موجود است.

### دشت مغان

گفتیم دشت مغان یکی از توابع پنجگانه اردیبل است این دشت وسیع که آنرا موغان و موقان هم ضبط کرده اند از دامنه کوه سبلان تا کرانه خاوری دریای خزر و جنوب مصب رود ارس و شمال کوه های طالش کشیده میشود.

مقدس و استخری معتقدند که حاصلخیزترین نقاط آذربایجان از نظر غله و حبوبات همین دشت مغان میباشد حاکم نشین آن نیز مغان یا موقان بود و موقعی این شهر از تبریز هم آباد تر بوده است و از آذربایجان تفکیک شده استان مستقلی تشکیل میداده است. از شهرهای مهم باستانی

دشت موقان یکی با جروان و دیگری هرزند که غازان خان مغول چندی در آنجا اقامت نمود و در نزدیکی هرزند شهر تازه ای بنا کرد که اکنون بصورت قصبه ای در آمده و به محمود آباد مرسوم است.

ابن حوقل از جغرافی نویسان مهم اسلامی و همچنین حمدالله مستوفی دو شهر دیگری از دشت مغان نام برده اند.

اول پیله سوار یا پیل سوار که امرای آل بویه در آنجا حکومت داشتند بمناسبت تنومندی یکی از آن امراء این محل را پیله سوازمی گفتند.

دوم ابر شهره که بگفته فردوسی مقر یکی از پهلوانان نامی ایران است کزین ابر شهره فرهاد کرد بجنگ از جهان پوشانی بهره مشهور است که فرهاد پسر گودرز والی ابر شهرم و مامور جلوگیری از هجوم طوایف وحشی ماوراء خزر بوده است.

جلفا یا جوقا و یا جولا هه در شمال رود ارس از شهر های ارضی نشین تابع دشت مغان است و چون ارضی های نام کن این شهر سرحدی پیوسته از حملات قشون عثمانی صدمه میدیدند و آنانرا بنام خاج پست قتل عام میکردند شاه عباس کبیر آنها را از منطقه خطر کوچانیده به نزدیک پایتخت خود اصفهان آورد و پول و زمین و وسایل لازم در اختیار آنها گذارد تا بیادگار شهر سابق در آنجا جلفای تازه ای بنا کنند که امروز یکی از محله های تابع اصفهان محسوب میگردد

### اهمیت تاریخی

از روزگار های باستان دشت مغان بواسطه موقع نظامی که در سر راه اقوام مهاجم قرار داشته و هم چنین بواسطه حاصلخیزی فوق العاده شایان اهمیت و مورد توجه بوده است و در دوران پیش از اسلام مرزبانان سلجوقی با پادگان و مهمات لازم

در دشت مغان اقامت داشتند عربها که بسختی از سرما و مناطق کوهستانی گریزان بودند هیچگاه نتوانستند در این ناحیه فرمانروای مطلق باشند و پیوسته امرای بومی در اینجا حکومت میکردند.

آثار مساجد و مدارس و رباطات اسلامی بسیار در دشت مغان باقی است که همه آنها فرمانروایان ایرانی مسلمان و بخصوص امرای آل بویه بنا کرده اند ولی مغولها و تاتارها که برعکس عربها سرما و کوهستان عادت داشتند مدت زمانی در آذربایجان و بخصوص در دشت مغان یا برجا ماندند و همانطور که گفته شد غازان خان مغول بیشتر تابستانها در دشت مغان بسر میبرد و شهری هم در آن نواحی بنا کرد.

در دوره صفویه و جنگ های متوالی ایران و عثمانی بخصوص در زمان شاه عباس کبیر دشت مغان ستاد نیروی ایران بود و از آنجا برای حمله و دفاع تجهیزات کامل فراهم میگردد. بعد از صفویه نوبت به تاتار رسید. تا چند سال شهریار افشار با مهاجمین خارجی و سرکشان داخلی دست و پنجه نرم میکرد و بالاخره همینکه ایران را امن و امان ساخت در فروردین سال ۱۱۴۸ هجری قمری جشن نوروز را در دشت مغان برگزار کرد و در آن موقع بیش از صد هزار مردم لشکری و کشوری در آنجا حضور داشتند و نادر خطاب بآنان گفت :

پس شما هنگام حمله افغان کجا بودید که ایران با نرو ز افتاد. سران لشکری و کشوری هم آن جواب قاطع تاریخی را بوی دادند که ماهمه سر جای خود بودیم اما چون توران داشتیم مثل آن بود که نبودیم. سرانجام نادر بآنان اظهار داشت که اکنون مملکت را از شر دشمنان داخلی و خارجی آسوده ساخته ام و در نظر دارم بکوشه ای بروم و شما را در انتخاب پادشاه آزاد





# سر سید احمد خان هندی و تفسیر قرآن

سید احمد خان مؤسس دانشکاه علیگرا از دانشمندان بنام و مفاخر عالم اسلام در قرن گذشته است، در شرح احوال وی کتب و رسائل و مقالات زیاد نوشته شده، از جمله یکی از نویسندگان عالیقدر ایران مقاله مبسوط و جامعی در این باره نوشته است و آنرا چنین آغاز میکند:

« یکی از مشاهیر سزاوار اشتهار مشرق زمین که هر چه زمان بگذرد آوازه شهرت و عظمت وی بیشتر در پیش هموطنانش بلند خواهد شد سید احمد خان مؤسس اصلاح اساسی و مربی عظیم هندی است، مشارالیه شاید بزرگترین شخص مسلمانان هندوستان است» این مرد بزرگ یادگار های فنا ناپذیری در سرزمین هند از خود باقی گذاشته و دارای کتب و تألیفات ارزنده و سودمند است. کتاب های معروف او بزبان های انگلیسی، فرانسه، عربی، ترکی و غیرهم ترجمه شده و بسیاری از نویسندگان اروپا در کتب خود آراء او را در قسمتی از مسائل تعلیل کرده اند.

از کتابهای معروف او یکی «آثار السنادید» است که بزبان فرانسه هم ترجمه شده و کتاب دیگری وی در باب شورش هند نیز بانگلیسی در آمده است، بعلاوه کتاب دیگری در شرح تورات در سه جلد، و رسائل و مقالات بی شماری در زمینه های مذهبی و اجتماعی و تعلیمی نوشته که از آن جمله رساله ای در باب سیرت حضرت رسول است. یکی از آثار گران بهای این شخصیت جامع تفسیر قرآن کریم در چندین جلد است. تفسیر مزبور از آن حیث پر ارزش اتفاق افتاده که بر مبانی دانش و تحقیقات حاضر قرار گرفته. کلیه آیات الهی بزبان عسرحاضر و مطابق اصول علوم جدیده تبیین و تدوین گشته است و نویسنده دانشمند نظر پتبحری که داشته توانسته است تفسیری بنگارد که مورد قبول عموم اروپا با دانش واقع گردد. او در ضمن بیان تفسیر آیات و تشریح و تحقیق آن بسیاری از مسائل غامضه و مطالب بسیار دقیق مذهبی، علمی، تاریخی و ادبی را با منطقی توانا و بیان شیوا بقدری خوب روشن و حلایی نموده که از روی بسیاری از رازها پرده برداشته است و خلاصه کتاب «تفسیر القرآن» حقایق و معارفی در بردارد که همانند آنرا در کمتر تفسیری میتوان بدست آورد.

نکته قابل ملاحظه اینست که مبانی و اصولی که بطور اصول موضوعه در تألیف این کتاب اختیار شده و پایه بیانات در تفسیر آیات روی آن مبانی و اصول قرار گرفته است مؤلف بطوریکه خود در مقدمه کتاب در یکجا بیان اشاره میکند، از خود قرآن مجید استنباط و استخراج نموده و صریحاً میگوید که «من شاگرد مکتب قرآنم» و چون در تفسیر آیات و تحقیق مسائل کاملاً متکی و متدل بخود قرآن است لذا بدون طرفداری از هیچ فرقه و حزبی از زیر بار هر پندار و گفتاری در تفسیر آیاتی که او آنرا پایه یافته است شانه خالی کرده و صراحتاً رد میکند. اخیراً فاضل محترم آقای سید محمد تقی فخر داعی که دارای تألیفات و ترجمه های سودمند میباشد سه جلد از آن تفسیر را از اردو بفارسی ساده روان ترجمه کرده اند و با قلمی مرغوب بطبع رسانیده انتشار داده اند.

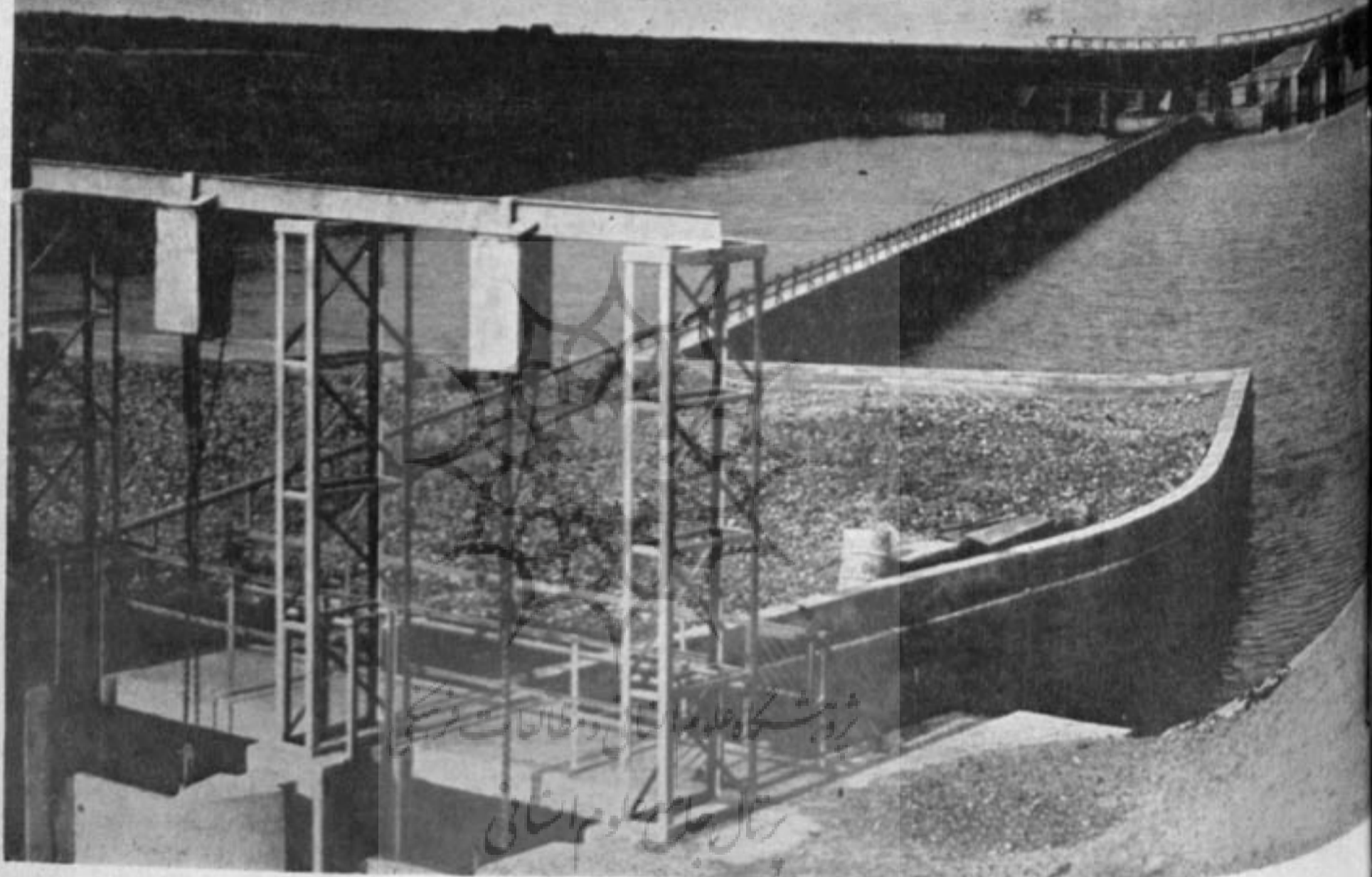
مطالعه آنرا بعلاقه مندان کتب دینی و علمی یاد آور شده و مخصوصاً بکسانی که مایل باطلاع از حقایق تعلیمات اسلامی و تطبیق آن با علوم و ادبیات عسرحاضر میباشد استفاده از این تفسیر را توصیه میکنیم.

ایران و کلیه نواحی قفقاز در سال ۱۲۱۰ بدشت مغان باز آمده در آنجا تاجگذاری کرد و خود را سزای پادشاه ایران خواند. در زمان سلطنت فتحعلی شاه چنانکه میدانیم دو بار جنگ روس و ایران اتفاق افتاد و در هر مرتبه دشت مغان بواسطه اهمیت نظامی و مرکزیت ایلاتی اردو گاه سپاهیان ایران بوده است. **ایل شاهسون** - یکی از مزایای تاریخی دشت مغان آنست که ایل سلحشور شاهسون در آن اقامت دارند شاهسون بزبان ترکی بمعنای شاهدوست است و از دیرزمانی

بگذارم - حالیا مصلحت وقت در آن می بینم - که به میخانه کشم رخت و دمی بنشینم - ولی بزرگان لشکری و کشوری بالاتفاق از وی خواستند که سلطنت را خود بپذیرد و در پاسخ گفتند: تا ز میخانه می نام و نشان خواهد بود - سرما خاک ره پیر مغان خواهد بود. نادر از آنان یکمساء مهلت گرفت و با شرایط و تفسیلاتی که ذکرش در این مقال نمی کند تج پادشاهی را بر سر گذارد.

این گذشت و در اوایل قرن سیزدهم هجری پس از وفات کریم خان زند مجدد اوضاع ایران آشفتن شد و از هر گوشه ای سرکشی دعوی سلطنت کرد از آن میان آغا محمد خان قاجار نیز وارد میدان شد و کارش پیشرفت کرده مدعیان داخلی را یکی پس از دیگری مغلوب ساخت از آن جمله در سال ۱۲۰۹ مدعی بزرگ خود لطفعلی خان زند را از پائی دد آورد و همان موقع بوی خبر رسید که هرا کلیوس یا اریسکلی خان که از طرف ایران حکمران کرجستان بوده با تزار روسیه هم پیمان گشته و کرجستان را بروسها داده است. آغا محمد خان با عجله از کرمان به سمت آذربایجان آمد و در دشت مغان بیش از شست هزار سپاهی فراهم نموده عازم کرجستان شد و شهر تفلیس پای تخت کرجستان را تصرف کردیده قتل و غارت بسیار در تفلیس و دیگر شهرهای کرجستان بار آورده و پس از فتح کرجستان با اتفاق امرای شیروان و





ناال دشت معان

کشاورزان بزودی در دشت معان عملی میشود. سه دهکده نمونه جدید از طرف سازمان برنامه در دشت معان احداث شده و قرار است یک شهر بزرگ بنام موقان و نوزده دهکده دیگر در آنجا بنا گردد. وسایزمان برنامه ۷۳۳٫۰۰۰ دلار برای عمران معان اختصاص داده و شرکت شیار آذربایجان عهده دار اجرای نقشه های عمرانی آن دشت میباشد.

جمعیت این ناحیه بیش از ۱۲۰ هزار نفر میباشد. اخیراً سازمان برنامه برای عمران و آبیاری و باروری این دشت حاصلخیز اقدامات مهمی نموده باینقسم که باحفر ترعه ها و بستن سدها علاوه بر اراضی مزروع پیشین فریب ۳۰۶ هزار هکتار زمین قابل کشت فراهم ساخته و بیش از صدوده مخزن آب در آن نواحی ساخته و پرداخته گردیده که میتواند سی هزار هکتار زمین را مشروب کند. توزیع اراضی قابل زرع در میان طوایف شاهسون و آشنا ساختن آنان با اصول کشاورزی مکانیکی و همچنین بخش بندرهای مختلف غلات و حبوبات میان

تو بچی ها تو بیخانه عثمانی را از کار می انداختند ایلات شاهسون که علاقه خاصی بمذهب تشیع داشته و دارند طبیعتاً از مریدان فداکار خاندان صفوی بودند و شاه اسمعیل صفوی فقط با جانفشانی سران شاهسون توانست در سن چهارده سالگی قیام کند و در مدت کوتاهی شاهنشاهی دوزم ساسانیان و هخامنشیان را از نو تشکیل دهد.

در هر صورت دشت معان در حال حاضر دارای ۹۶ آبادی است که مهم ترین آن عبارتند از پيله سوار - تازه کند - پش کندی - پر یمر - میخوش و غیره.

افراد این ایل بواسطه خدماتی که در راه حفظ تاج و تخت سلطنت ایران انجام داده اند باین اسم مشهور شده اند و در حقیقت اساس سلطنت پادشاهان صفوی با فداکاری شاهسون ها انجام گرفت و هستمه مرکزی سپاهیان فرزانش ( کلاه سرخ ) ایران همین شاهسون ها بودند. تا ورنه در وصف رشادت آنان میگویند که شاهسون ها چنگ با تفنگ را عار و ننگ میدانند و معتقدند که سلاح مردان شمشیر و نیزه است. شاهسون ها در چنگ های ایران و عثمانی با دادن تلفات زیاد شمشیر بدست خود را بشو بخانه دشمن می رسانند و پس از کشتن